جوان

روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران
سه‌شنبه ۳ آذر ۱۴۰۵ - ۱۴ جمادی‌الثانی ۱۴۴۸
سال بیست‌وهشتم - شماره ۷۷۵۵ - ۱۲ صفحه
قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

بسیج دستگاه‌ها علیه کارگزاران بی‌خیال

رئیس دستگاه قضا: دادستان کل کشور، وزارت اطلاعات، سازمان اطلاعات سپاه، فراجا و نهادهای دیگر باید همه را بسیج کنند تا اگر کسی از کارگزاران نظام در موضوع فشار اقتصادی دشمن بر مردم کوتاهی می‌کند، با او برخورد کنند. احتکار، گران‌فروشی، خیانت در امانت و تخلف‌های مرتبط، امروز در راستای فشار دشمن بر تاب‌آوری مردم است و باید با این دید عاملانش مجازات شوند

|صفحه ۲

بسته‌بندی شیک «سید مجید» آماده است!

سخنگوی وزارت‌خارجه درباره جنگ احتمالی جدید گفت که ایران پاسخ به هجوم امریکا را با بسته‌بندی شیک سید مجید نقطه‌زن عرضه خواهد کرد

|صفحه ۱۱



پزشکیان:
بسیج شدیم تا با «حکمرانی محلی» کشور را شکوفا کنیم

مردم پای این کشور ایستادند، ما هم تا پای شهادت برای بهبود وضعیت معیشتی مردم تلاش می‌کنیم. مسجد بهترین پایگاه برای خدمات اجتماعی و جلب مشارکت عمومی است. این خدمات به تنهایی از دولت امکان‌پذیر نیست. اکنون ۸۰ هزار مسجد داریم که هر یک می‌توانند نقش مؤثری در خدمات حمایتی، اجتماعی و عمومی به آحاد جامعه ایفا کنند |صفحه ۲

پیوستن گل به گلشن

یادآورد فرازهایی از مصاحبه‌های زنده‌یاد دکتر مهدی گلشنی با روزنامه جوان

● حسن فرامرزی



■ اردیبهشت امسال وقتی غبار جنگ اندکی فرو نشست فرصتی دست داد که بعد از فاجعه بمباران محل کارشان، یعنی مرکز فلسفه علم دانشگاه صنعتی شریف گپ و گفتی با ایشان داشته باشم. کتاب‌ها و یادداشت‌های کمیاب استاد زیر آوار مانده بود اما صدایشان همچنان باوقار و متین از پشت تلفن می‌آمد: «چند مرکز مهم و حساس از جمله دانشکده هوافضا و ساختمانی که ما در آن قرار داشتیم، یعنی فلسفه علم، مرکز اینترنت و هوش مصنوعی بمباران شده‌اند. در حال آواربرداری هستند، ببینید چقدر از آن کتاب‌ها و یادداشت‌ها را که زیر آوار مانده است، می‌توانند نجات بدهند. حدود ۲ هزار کتاب در این مرکز داشتیم که بخشی از این کتاب‌ها از خارج خریداری شده بود و بخش قابل توجهی تألیف شخصیت‌های علمی درجه یک تأثیرگذار بود. برخی از این کتاب‌ها هم نسخه‌های منحصر به فردی در ایران بودند حالا مسئولان دانشگاه دنبال این هستند که چطور با ملایمت دست کم بخشی از این کتاب‌ها، رساله‌ها و یادداشت‌ها را از زیر آوار بیرون بکشند» |صفحه ۶

در اختتامیه جام رسانه امید

طائب: باید جایگاه خود را در حوزه رسانه تقویت کنیم

در عرصه واقعیت باید تقویت و توانمندسازی را هدف قرار داده و در حوزه رسانه نیز با شناسایی افراد مستعد، شبکه‌سازی، توانمندسازی و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین، جایگاه برتر خود را تثبیت و تقویت کنیم.

به گزارش تسنیم، حجت‌الاسلام حسین طائب، رئیس سازمان بسیج مستضعفین عصر دیروز در اختتامیه جام رسانه امید، با تأکید بر اینکه بقا و ارتقای هر ملتی در گرو تولید قدرت عینی و ذهنی است، اظهار داشت: هر ملتی که از نظر توانایی‌های عینی و همچنین از نظر روحی و ذهنی قوی‌تر باشد، تأثیرگذاری بیشتری در نظم داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی خواهد داشت. این روندی است که در طول تاریخ وجود داشته است، اما صاحبان قدرت، ثروت، زور و تزویر همواره تلاش کرده‌اند از ابزارهای مختلف برای افزایش قدرت خود استفاده کنند. همان‌طور که سلاح بیشتر می‌تواند به افزایش قدرت منجر شود، رسانه بیشتر نیز قدرت ذهنی بیشتری تولید می‌کند و می‌تواند به قدرت عینی ضریب بدهد. تا جایی که برخی صراحتاً اعلام کردند با توسعه رسانه و ارتقای فناوری‌های رسانه‌ای، هوش مصنوعی و فناوری کوانتوم، کاری خواهند کرد که رسانه به ابزاری برای واقعیت‌سازی تبدیل شود. به این معنا که رسانه بتواند واقعیت را بسازد، حتی اگر آن واقعیت در جهان بیرونی وجود نداشته باشد یا حقیقت نداشته باشد. آنها صراحتاً گفته‌اند که می‌خواهند از رسانه چنین ابزاری بسازند و حتی تصویر کودکی را که مورد جنایت قرار گرفته است، تغییر دهند.

طائب با اشاره به ناکامی قدرت نظامی امریکا و اسرائیل در برابر مقاومت ایران تصریح کرد: همان‌طور که امریکایی‌ها و اسرائیلی‌ها خود را به‌ترتیب قدرت اول و چهارم نظامی جهان معرفی می‌کنند، قدرت نظامی آنها نتوانست به اهداف موردنظرشان برسد و ملتی در برابر آنها مقاومت کرد و با اتکا به توانمندی‌های خود قدرت تولید کرد. ایران قوی توانست کشوری را که به ماشین جنگی تبدیل شده بود و یک ابرقدرت با ادعای برخورداری از قدرت اول دفاعی جهان را به چالش بکشد و شکست دهد.

وی با اشاره به اهمیت برگزاری رویدادهای رسانه‌ای از جمله جام رسانه امید گفت: امروز برگزاری چنین رویدادهایی در حوزه رسانه با این هدف اهمیت پیدا می‌کند که بتوانیم تولید محتوا را افزایش دهیم. این تولید محتوا باید ترکیبی از شبکه‌سازی انسان‌رسانه‌ها و بهره‌گیری از فناوری‌های رسانه‌ای باشد. بدون تردید، با حرکت در این مسیر می‌توان در عرصه رسانه نیز به موفقیت دست یافت. وقتی گفته می‌شود رکورد تولید محتوا در جشنواره شکسته شده و شمار تولیدات از ۱۰۰ هزار به ۲۰۰هزار رسیده است، آن هم در یک بازه زمانی مشخص، نشان می‌دهد که در عرصه رسانه نیز می‌توان قدرت تولید کرد و به توانمندی بیشتری رسید.

رئیس سازمان بسیج در ادامه با بیان اینکه نبرد امروز ملت‌ها در دو عرصه واقعی و رسانه‌ای جریان دارد، تصریح کرد: ما با دو عرصه نبرد و تولید قدرت مواجه هستیم. یک نبرد در عرصه واقعی و دیگری در عرصه تصویرسازی و انعکاس واقعیت‌ها در این میان ملتی پیروز است که قدرت داشته باشد و بتواند هر روز قوی‌تر شود. طائب با بیان اینکه در فرایند جنگ نرم و تولید قدرت نرم، هر طرفی که بتواند تصویر زیباتر و تأثیرگذارتری از واقعیت در افکار عمومی جهان، منطقه و داخل کشور ایجاد کند، در این عرصه دست برتر را خواهد داشت، گفت: از همین رو، اگر جام رسانه امید برگزار می‌شود، باید هدف آن انعکاس درست واقعیت‌ها باشد. البته نباید در بیان واقعیت‌ها غلو کرد. بلکه باید پیشرفت‌های کشور را همان‌گونه که هستند، به نسل بعدی منتقل کنیم. رئیس سازمان بسیج در پایان تأکید کرد: همان‌طور که در عرصه واقعی باید قوی‌تر شدن را به‌عنوان یک هدف دنبال کنیم، در عرصه رسانه نیز باید برای افزایش قدرت و توانمندی خود برنامه داشته باشیم. به گفته وی شناسایی افراد مستعد در این حوزه، شبکه‌سازی، توانمندسازی آنها و به‌کارگیری فناوری‌های نوین رسانه‌ای، از جمله اقداماتی است که باید در این مسیر دنبال شود تا بتوانیم جایگاه برتر خود را در عرصه رسانه نیز ایجاد کنیم و هر روز قوی‌تر شویم.



یادت باشد آقای امیرخانی!

● تقی دژاکام

این تعبیر را در این سال‌ها به‌خصوص در این یک سال زیاد شنیده‌اید که حزب‌اللهی‌ها یا بیشتر حزب‌اللهی‌ها در این دو دهه اخیر با کتاب‌های رضا امیرخانی کتابخوان و کتاب‌دوست شدند. این تعبیر بسیار تکراری، کاملاً هم درست است. بله، اگر امیرخانی هیچ کار مفیدی در دوره حیاتش نکرده بود به‌جز اینکه نسلی را کتابخوان و مأنوس با کتاب کرد، کافی بود او را در زمره مشاهیر بزرگ فرهنگی این کشور بدانیم و مجسمه‌اش را بسازیم و خیابان و مراکز فرهنگی به نامش کنیم و از این دست کارهای رایج. اما امیرخانی خیلی بیشتر از این‌ها به گردن همه ما حق دارد.

هر کدام از کتاب‌های او چه رمان‌ها، چه سفرنامه‌ها و چه نقد و تحلیل‌های اجتماعی او، داده‌هایی ارزشمند از یک مسلمان مسئول اندیشمند است که خوب فکر و تحلیل می‌کند و صراحت دارد و رودربایستی ندارد. سفرنامه‌ای که در معیت رهبری از سفرهای استانی رهبر شهید به استان‌های سیستان و بلوچستان نوشته است یا مثلاً «نفحات نفت» او گواهی بر این موضوع است.

رضا تا حدود زیادی شبیه جلال است با همان پراکندگی در قالب‌های نویسندگی، با همان صراحت و شجاعت. البته جلال عصبی‌تر و رضا مهربان‌تر بود؛ خیلی مهربان‌تر. جلال در داستان و رمان به نظر من به قدرت رضا نبود، اما در تحلیل و ارزیابی‌های اجتماعی در قله بود و رضا در کوهپایه. هر دو هم از بخت بد همه ما عمر طولانی نداشتند و حدود ۵۰سال زندگی کردند. چه افسوس بزرگی. از دست دادن یک جوان همیشه افسوس دارد اما جوانی به خوشفکری و خوش‌قلمی امیرخانی که آینده بسیار پربارتری برایش متصور بود افسوس و تحسر بیشتری دارد.

امیرخانی این توفیق را داشت که راه درست را در زندگی پیدا کرد و محکم و استوار در آن گام نهاد. او با اینکه مهندس مکانیک بود اما کارویژه خود را در حوزه ادبیات و فرهنگ شناخت و کاملاً هم در این راه موفق شد. تقریباً مثل استاد بهاءالدین خرمشاهی که پزشکی خواند اما ناگهان در اواخر کار، آن را رها کرد و کتابداری خواند و به حوزه ادبیات و فرهنگ وارد شد و شد بهترین حافظ‌شناس معاصر. این درس را اگر همه به‌خصوص جوان‌ها بگیرند که فریفته عناوین نشوند و به توانایی‌ها و علایق واقعی خود بپردازند، پیشرفت خارق‌العاده‌ای خواهند کرد.

نمود بیرونی رضا این‌گونه بود که او را بیشتر با همان کتاب‌ها و رمان‌هایش می‌شناسند، اما من او را با عشق به سیدالشهدا «ع» می‌شناسم و مجالس عزایی که سالی چند روز در منزل مهندس چینی‌فروشان برگزار می‌شد و رضا با ادب بسیار در این مجالس از عزاداران استقبال و پذیرایی می‌کرد و در هنگام روضه اشک می‌ریخت. در فضای مجازی هم چندین مصاحبه با او می‌بینید که با عشق زایدالوصفی از اباعبدالله «ع» می‌گوید و در حین سخن گفتن از امام حسین «ع» منقلب می‌شود. برای همین است که من بهترین و اثرگذارترین رمان او را «قیدار» می‌دانم که با آن قلم سحرآمیز و آن سیر داستانی، آن‌گونه به جناب جون، غلام سیاهپوست عرصه کربلا، عرض ادب و احترام کرده است.

با رضا گاهی درباره برخی تحلیل‌های اجتماعی یا مواضع سیاسی‌اش بحث و گفت‌وگو داشتم. گاهی از یک پست من انتقاد می‌کرد و زیر بار دلایل من نمی‌رفت و گاهی ذوق‌زده می‌شد و فوری پیام می‌داد. اما همان‌طور که گفتم هیچ‌گاه عصبانی نمی‌شد و با ملایمت و البته استدلال از نوشته‌ها و مواضعش دفاع می‌کرد و گاهی هم یکی از دو طرف کوتاه می‌آمدیم. بعد هم مرا با تصنیفی و آوازی مثلاً از محمد معتمدی مهمان می‌کرد. اما یکی از اشتراکات همیشگی‌مان آقای صفار هرندی بود که از او به یک «مرد باشرف» یاد می‌کرد. آقای صفار هم به او بسیار ارادت داشت و در زمان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به یکی از دوستان که اصرار داشت کتابی را چاپ کند، آخرین حرف آقای وزیر این بود که بده به رضا امیرخانی؛ هر چه او گفت من عمل می‌کنم.

امروز صبح که خبر رفتن رضا آمد، همسرم گفت: اگر به زندگی برمی‌گشت با شنیدن و اطلاع از این‌همه حوادث بسیار بزرگ و تلخ این یک سال، در جا جان می‌داد. من اما چنین نظری ندارم. او حتماً با طمأنینه و آرامش همه آن حوادث را هضم می‌کرد و بعد نه تنها جان نمی‌داد بلکه مطمئنم بهترین، کامل‌ترین و پخته‌ترین اثر زندگی خودش را خلق می‌کرد.

حالا او پس از قریب یک سال که دعاهای دوستانش او را در زمین نگه داشته بود و دست‌های فرشتگان او را به آسمان می‌خواند، در آغوش سیدالشهدا و دیگر موالیانش است که برایشان اشک می‌ریخت، عزاداری می‌کرد و کتاب می‌نوشت. خوشا به حال او و بدا به حال ما. فقط خدا کند آن‌طرف حواسش باشد که در رمان قیدار نوشته بود: «از زیارتنامه ارباب و «سلم لمن سالمکم و حرب لمن حاربکم» این‌جور برمی‌آید که پروردگار عالمیان رفیق‌بازها را بیشتر دوست دارد... قدر هم را بدانیم.» یعنی آقارضا آن‌دنیا هم حواسش به رفیق‌هایش است؟

«فرمانده نیروی هوایی نویسندگان» اوج گرفت

● مصطفی شاه‌کرمی | خبرنگار گروه فرهنگی

آخرین تصاویر و جملاتی که از امیرخانی مهندس نویسنده مقتل‌خوان یا به قول خودش «فرمانده نیروی هوایی نویسندگان» در ذهن دارم که به خوبی می‌تواند شخصیت حقیقی و دلمشغولی‌هایش را تبیین کند، قاب ماندگاری است که او و زنده‌یاد حجت‌الاسلام مسعود دیانی در شب عاشورای ۱۴۰۱ در قاب شبکه ۴ تلویزیون و برنامه سوره خلق کردند. به جرئت می‌توان گفت که او از معدود نویسندگان پیشرو و آوانگاردی بود که روی آنتن زنده تلویزیون مقتل‌خوانی کرد و برای اباعبدالله علیه‌السلام و طفل شیرخوارش، قمر بنی‌هاشم سلام‌الله‌علیه و دیگر یاران ایشان روضه خواند و اشک ریخت

صفحه ۱۲

یادداشت سیاسی

سیدعبدالله متولیان

بسیج از سرمایه مردمی تا قدرت ملی

چهار مأموریتی که ۱۹ مرداد در حکم انتصاب رئیس جدید سازمان بسیج مستضعفین ترسیم شد، امروز در آستانه هفته بسیج، معنایی فراتر از یک برنامه سازمانی یافته است. «هر ایرانی، یک بسیجی». این فراز را باید فراتر از توسعه تشکیلاتی بسیج خواند. سخن از فعال‌سازی ظرفیت ملت برای صیانت از ایران و مشارکت در ساختن آینده آن است. حضور مردم در ماه‌های دشوار جنگ نشان داد که قدرت ملی فقط در تجهیزات و امکانات نظامی خلاصه نمی‌شود، اراده، همبستگی و مسئولیت‌پذیری عمومی نیز بخشی از توان راهبردی کشور است |صفحه ۲

یادداشت سیاسی

داود گودرزی

منافع ملی را قربانی رقابت‌های جناحی نکنید

از خطرناک‌ترین اتفاقات در شرایط حساس کشور، ادامه رقابت‌های فرسایشی سیاسی با همان منطق و ادبیات دوران عادی است. اختلاف‌نظر میان جناح‌های سیاسی امری طبیعی و حتی در یک جامعه پویا ضروری است. نقد دولت، مطالبه‌گری از مسئولان، نظارت بر عملکرد مدیران و ارائه راهکارهای متفاوت، از مؤلفه‌های یک نظام سیاسی کارآمد است. اما مسئله از جایی آغاز می‌شود که رقابت سیاسی به تخریب سرمایه اجتماعی، تضعیف اعتماد عمومی و بهره‌برداری از مشکلات کشور برای تسویه‌حساب‌های جناحی تبدیل شود |صفحه ۲

کتب درسی با زندگی دانش‌آموز بیگانه است!

● مهسا گربندی | خبرنگار گروه اجتماعی

■ تصور کنید دانش‌آموزی را که شب امتحان ادبیات، نام شاعرها، تاریخ تولد و وفاتشان و حتی فهرست آثارشان را بارها و بارها مرور می‌کند تا مبادا سر جلسه امتحان یکی از آنها را فراموش کند! او می‌داند «حدیقه‌الحقیقه و شریعه‌الطریقه» اثر سنایی است، اما شاید حتی یک بیت از شعرهای این شاعر را نخوانده باشد! احتمالاً هم وقتی که امتحان را پشت سر بگذارد، بخش زیادی از همین اطلاعات از ذهنش پاک می‌شود |صفحه ۳

غلامرضا نیکخواه، بازیگر سینما و تلویزیون درگذشت

صفحه ۱۲





بام پاراتکواندو جهان زیر پای دختران ایرانی

● شیوا نوروزی | خبرنگار گروه ورزشی

■ طلاهای آیلار جامی و مریم عبداله‌پور و نقره زهرا رحیمی، قهرمانی جهان را برای تیم ملی پاراتکواندو بانوان به همراه داشت. همچنین عاطفه کشاورز، سرمربی این تیم عنوان بهترین مربی دنیا را از آن خود کرد |صفحه ۹